

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه الزهرا (س)  
دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی

پایان نامه  
جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد  
رشته مطالعات زنان

عنوان  
طلاق عاطفی: زمینه‌ها و پیامدها

استادان راهنما  
دکتر سوسن باستانی  
دکتر محمود گلزاری

دانشجو  
شهره روشنی

مهر ۱۳۸۹

کلیه دستاوردهای این تحقیق متعلق به دانشگاه الزهراء (س) است.

تقدیم به

**مادر و پدر عزیزم**

که موفقیت‌هایم مرهون لطف و محبت بی‌دریغ ایشان است.

## تقدیر و تشکر

حمد و سپاس بی‌کران خداوندی را که سخنوران از ستودن او عاجز، حسابگران از شمارش نعمت‌های او ناتوان و تلاشگران از ادای حق او درمانده‌اند، و درود و صلوات بر خاتم انبیاء، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان پاکش علیهم السلام.

در آغاز بر دستان مادر و پدر مهربانم که مرا رسم زندگی آموختند بوسه می‌زنم و سپس بر خود لازم می‌دانم مطابق فرمایش گهربار «من لم یشکر المخلوق، لم یشکر الخالق»، از بزرگوارانی که در انجام پژوهش حاضر مرا یاری کرده‌اند، تشکر و سپاسگزاری نموده و از درگاه احدیت توفیق روزافزون ایشان را مسئلت نمایم.

از سرکار خانم دکتر سوسن باستانی و جناب آقای دکتر محمود گلزاری، اساتید راهنمای بزرگوارم که با اخلاق نیکو و سعه صدر در تمام مراحل انجام پژوهش مرا یاری نمودند، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

از جناب آقای دکتر محسن گودرزی به خاطر رهنمودهای ارزنده‌شان سپاسگزارم.

از جناب آقای دکتر محمود قاضی طباطبایی و سرکار خانم دکتر زهرا توسلی که داوری پایان نامه را پذیرفتند متشکرم.

از همه زنان بزرگواری که یافته‌های پژوهش حاصل بیان تجربه آنان از زندگی مشترک است، و بدون همکاری آن‌ها انجام این پژوهش میسر نبود، بسیار ممنونم.

هم‌چنین از خواهر و برادر عزیزم، و دوست مهربانم سرکار خانم فهیمه زاهدی به پاس

همراهی‌شان در انجام این پژوهش بسیار سپاسگزارم.

## چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی طلاق عاطفی از دید زنان، و به روش نظریه مبنایی که از انواع روش تحقیق کیفی می‌باشد، انجام شده است. تمرکز مطالعه بر فرایندی بوده که تجربه طلاق عاطفی زنان را شکل داده است. اطلاعات از طریق مصاحبه عمیق با بیست نفر از زنان مراجعه کننده به یکی از مراکز مشاوره تهران جمع‌آوری و با استفاده از کدگذاری نظری تحلیل شده است. زنان در مصاحبه‌ها شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، ویژگی‌ها، پیامدهای طلاق عاطفی و استراتژی‌های خود در مواجهه با طلاق عاطفی را توصیف کرده‌اند. نتایج پژوهش پیچیدگی و تنوع تجربیات زنان را نشان می‌دهد و این نظر را که ابعاد مختلف روانی، اجتماعی و فرهنگی در تجربه طلاق عاطفی در تعامل هستند، حمایت می‌کند.

در مجموع با در نظر گرفتن شرایط علی، شرایط میانجی، زمینه، پیامدهای طلاق عاطفی و استراتژی‌های زنان در مواجهه با طلاق عاطفی می‌توان گفت:

زمانی که نیازها، انتظارات و نظرات زن، توسط مرد نادیده گرفته شود و زن احساس کند همسرش برای او اهمیتی قائل نیست، با کاهش تعاملات مثبت زن و مرد، رضایت زن و مرد از رابطه همسری کاهش یافته، طلاق عاطفی اتفاق می‌افتد و نتیجه این وضعیت مواجهه اعضای خانواده با فشارها و مشکلات روحی و جستجوی آرامش خارج از فضای خانواده است، و زن در برخورد با طلاق عاطفی، به راهکارهایی چون تلاش جهت بهبود رابطه، یافتن جایگزین برای رابطه همسری ناموفق، و اندیشیدن به طلاق قانونی متوسل می‌شود.

همچنین بر اساس نتایج حاصل می‌توان چهار نوع طلاق عاطفی را متمایز نمود، که وجه اشتراک آن‌ها عدم صمیمیت در ارتباط همسران و ادامه زندگی مشترک علی‌رغم عدم رضایت از رابطه است و وجه اختلاف آن‌ها تفاوت در میزان علاقه، ارتباط کلامی، رابطه جنسی، تمایل به گذران وقت با یک‌دیگر، احساس تعلق و تعهد همسران است.

**واژگان کلیدی:** طلاق عاطفی، رابطه زناشویی، زنان، نظریه مبنایی

## فهرست مطالب

فصل اول: مقدمه	۱
۱-۱ مقدمه	۲
۲-۱ مسئله پژوهش	۳
۳-۱ پرسش‌های پژوهش	۱۰
۴-۱ ضرورت و اهمیت پژوهش	۱۰
۵-۱ اهداف پژوهش	۱۱
فصل دوم: پیشینه پژوهش	۱۲
۱-۲ مقدمه	۱۳
۲-۲ تعریف طلاق عاطفی	۱۳
۳-۲ ادبیات نظری	۱۶
۱-۳-۲ نظریه سیستمی کیفیت زناشویی مارکز	۱۶
۲-۳-۲ نظریه نظم خرد چلبی	۲۳
۳-۳-۲ نظریه مثلث عشق استرنبرگ	۳۰
۴-۲ ادبیات تجربی	۳۲
۱-۴-۲ پژوهش‌های انجام شده در داخل کشور	۳۲
۱-۱-۴-۲ پژوهش‌های انجام شده در زمینه رضایت زناشویی	۳۴
۲-۱-۴-۲ پژوهش‌های انجام شده در زمینه سازگاری زناشویی	۳۸
۳-۱-۴-۲ پژوهش‌های انجام شده در زمینه اختلافات زناشویی	۴۱

۴۳	..... پژوهش‌های انجام شده در زمینه کیفیت روابط زناشویی
۵۲	..... پژوهش‌های انجام شده در خارج از کشور
۶۵	..... فصل سوم: روش پژوهش
۶۶	..... ۱-۳ مقدمه
۶۷	..... ۲-۳ روش تحقیق کیفی
۶۹	..... ۳-۳ نظریه مبنایی
۷۷	..... ۴-۳ انتخاب نمونه
۸۰	..... ۵-۳ ابزار پژوهش
۸۱	..... ۶-۳ گردآوری اطلاعات
۸۳	..... ۷-۳ تحلیل اطلاعات
۸۴	..... ۸-۳ معیارهای کیفیت
۸۸	..... فصل چهارم: تحلیل داده‌ها
۸۹	..... ۱-۴ مقدمه
۸۹	..... ۲-۴ مشخصات نمونه
۹۳	..... ۳-۴ تحلیل داده‌ها
۹۳	..... ۱-۳-۴ کدگذاری باز
۹۶	..... ۲-۳-۴ کدگذاری محوری
۹۶	..... ۱-۲-۳-۴ شرایط علی طلاق عاطفی
۱۳۰	..... ۲-۲-۳-۴ شرایط میانجی طلاق عاطفی



۱۴۱	..... زمینه طلاق عاطفی	۳-۲-۳-۴
۱۵۳	..... استراتژی‌های زنان در مواجهه با طلاق عاطفی	۴-۲-۳-۴
۱۶۱	..... پیامدهای طلاق عاطفی	۵-۲-۳-۴
۱۶۶	..... کدگذاری انتخابی	۳-۳-۴
۱۷۱	..... فصل پنجم: نتیجه‌گیری	
۱۷۲	..... مقدمه	۱-۵
۱۷۲	..... خلاصه و نتیجه‌گیری	۲-۵
۱۸۳	..... مدل نظری	۳-۵
۱۸۵	..... محدودیت‌های پژوهش	۴-۵
۱۸۶	..... پیشنهادات پژوهشی	۵-۵
۱۸۷	..... منابع پژوهش	
۲۰۱	..... پیوست	

# فصل اول

## مقدمه

## ۱-۱ مقدمه

خانواده واژه‌ای پرمعناست که وقتی به آن فکر می‌کنیم، موجی از احساس و عاطفه را در ما برمی‌انگیزد. خانواده جایگاه آسایش و آرامش و اولین نهاد اجتماعی و بنیان جامعه است. در فرهنگ اسلامی، خانواده به مثابه نهادی مقدس، بیش‌ترین مسئولیت را در تربیت، تعالی و سعادت انسان بر عهده دارد. اساس تشکیل خانواده و ازدواج در نظام الهی رسیدن به آرامش روان، آسایش خاطر، پیمودن طریق رشد، رسیدن به کمال انسانی و تقرب الهی است (شعاع کاظمی، ۱۳۸۴: ۴۳).

نقطه آغاز شکل‌گیری خانواده زمانی است که زن و مرد، با هدف تشکیل خانواده با یکدیگر پیمان همسری می‌بندند و ازدواج می‌کنند؛ اما پس از ازدواج، خانواده در یکی از سه مسیر بالندگی، آشفته‌گی و گسستگی قرار گرفته و شروع به حرکت می‌کند.

قرآن خانواده را آیت بزرگ خداوند می‌داند که مرکز پیدایی و پرورش آرامش، مودت و رحمت است<sup>۱</sup>، در خانواده بالنده که دارای این ویژگی است و نیز نقش‌های هر یک از اعضای خانواده در آن مشخص و منسجم است<sup>۲</sup>، همسران و فرزندان، اندوه‌زدا و سرورآفرین هم‌دیگر می‌شوند و به رهبری و پیشوایی پارسایان و شایستگان روزگار می‌رسند<sup>۳</sup>.

در بسیاری از موارد، زنان و شوهران ناسازگار به خاطر عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی از هم جدا نمی‌شوند، اما خانواده به جای آنکه کانون پرتراوت شادی و امید باشد، به سرزمین آشفته و رنج‌آفرینی تبدیل می‌شود که تندرستی، آرامش، پاکی و مسئولیت ساکنان خود را آرام‌آرام گرفته و از بین می‌برد. اگر افراد خانواده، به ویژه زن و شوهر، پیوسته درگیر مشکلاتی مانند سکوت‌های درازمدت، برخوردهای آزاردهنده کلامی و جسمی، فاصله‌گرفتن

---

۱. سوره مبارکه روم، آیه شریفه ۲۱

۲. سوره مبارکه نساء، آیه شریفه ۳۴

۳. سوره مبارکه فرقان، آیه شریفه ۷۴

عاطفی و جسمی از یکدیگر، ناهماهنگی‌های فکری و عقیدتی، بیماری‌های روانی و روان‌تنی متناوب، ناخشنودی جنسی و کاهش تدریجی عزت نفس باشند، با نشانه‌های اصلی خانواده‌آشفته روبه‌رو هستیم، که چنین وضعیتی را می‌توان طلاق عاطفی نامید.

عوامل گوناگونی پیوند شرعی و قانونی ازدواج را از هم می‌گسند و همسران را به جدایی می‌کشاند. آشکار شدن ناراستی‌ها و نیرنگ‌ها، پدیدآمدن کژرفتاری‌های ریشه‌دار مانند سوء مصرف مواد، الکل، خیانت، پرخاشگری و خشونت‌های پی‌درپی، کمبود استقلال و مسئولیت‌پذیری، و نیز به‌کار گرفتن روش‌های ناپسند و غیر کارآمد برای رفع مشکلات و اختلاف‌های قابل انتظار از مهم‌ترین عوامل گسستگی خانواده هستند (گلزاری، ۱۳۸۷: ۱۳).

بر اساس تقسیم‌بندی بیان شده، پژوهش حاضر قصد دارد تا ابعاد آشفتگی خانواده و به تعبیری طلاق عاطفی را از دید زنان بررسی کند. این فصل از پژوهش به بیان مسئله، پرسش‌ها، ضرورت، و اهداف پژوهش پرداخته است.

## ۱-۲ مسئله پژوهش

صاحب‌نظران معتقدند خانواده از نخستین نظام‌های نهادی عمومی و جهانی است که برای رفع نیازمندی‌های حیاتی و عاطفی انسان و بقای جامعه ضرورت تام دارد و از همه نهادهای اجتماعی، طبیعی‌تر است (شرفی، ۱۳۸۳: ۳۷). روابط مناسب در جامعه بر اساس روابط مناسب در خانواده شکل می‌گیرد و هر اندازه روابط درون خانواده مناسب‌تر باشد، خانواده و به تبع آن جامعه از ثبات و استحکام بیش‌تری برخوردار است (اعزازی، ۱۳۸۷: ۱۲). همه مصلحین بر خانواده و اهمیت حیاتی آن برای جامعه تأکید کرده‌اند و هیچ جامعه‌ای بدون داشتن خانواده‌های سالم نمی‌تواند ادعای سلامت کند و هیچ یک از آسیب‌های اجتماعی بی‌تأثیر از خانواده پدید نیامده‌اند (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۱۱). بنابراین از آنجا که خانواده مهم‌ترین نهاد جامعه است

و منشاء جامعه سالم، خانواده سالم است، وارد شدن هر آفت و زوالی به این نهاد و کارکردهای آن، از امور مهم و شایسته کنکاش می‌باشد.

یکی از مهم‌ترین آسیب‌های خانوادگی طلاق است؛ کارشناسان بر این باورند که فرآیند طلاق در اکثر مواقع این سیر را طی می‌کند:

۱. اختلافات جزئی،
۲. تکرار اختلافات جزئی و جدی شدن آن‌ها،
۳. جدایی یا بی‌میلی یکی از زوجین به طرف مقابل،
۴. قهرهای طولانی و تکرار آن،
۵. خستگی زوجین از قهرها و درگیری‌ها،
۶. طلاق عاطفی،
۷. طلاق قانونی (محمدی، ۱۳۸۳: ۱۱۱)؛

اما آمار رسمی طلاق به طور کامل نشان دهنده میزان ناکامی همسران در زندگی زناشویی نیست، زیرا در کنار آن آماری بزرگ‌تر به طلاق‌های عاطفی اختصاص دارد. شاید دو برابر آمار طلاق‌های قانونی را بتوانیم به طلاق‌های عاطفی اختصاص دهیم، یعنی به زندگی‌های خاموش و خانواده‌های توخالی که زن و مرد در کنار هم به سردی زندگی می‌کنند ولی هیچ‌گاه تقاضای طلاق قانونی نمی‌کنند (بخارایی، ۱۳۸۶: ۶۴)؛ در واقع برخی ازدواج‌ها که با طلاق پایان نمی‌یابند، به ازدواج‌های توخالی<sup>۱</sup> تبدیل می‌شوند که فاقد عشق، مصاحبت<sup>۲</sup> و دوستی<sup>۳</sup> هستند و همسران فقط با جریان زندگی خانوادگی به پیش می‌روند و زمان را سپری می‌کنند (استیل<sup>۴</sup> و کید<sup>۵</sup>، ۱۳۸۸: ۲۶۰)؛ خانواده توخالی، خانواده‌ای است که اعضای آن به زندگی با یک‌دیگر ادامه

---

<sup>۱</sup> . empty shell marriage

<sup>۲</sup> . companionship

<sup>۳</sup> . togetherness

<sup>۴</sup> . Steel, Liz

<sup>۵</sup> . Kidd, Warren

می‌دهند، ولی از روابط و کنش متقابل با یکدیگر و حمایت احساسی محروم هستند (گود)<sup>۱</sup>،  
۱۳۵۲: ۲۴۹).

پل بوهانان<sup>۲</sup> (۱۹۷۰)، شش مرحله متداخل طلاق را که زوجی که از یکدیگر جدا می‌شوند،  
ناچارند با آن‌ها روبه‌رو شوند، به این ترتیب در نظر گرفته است:

۱. طلاق عاطفی، که بیان‌گر رابطه زناشویی است که رو به زوال می‌رود - تنش فزاینده میان  
زن و شوهر، که معمولاً به جدایی می‌انجامد.

۲. طلاق قانونی، متضمن زمینه‌ها و دلایلی که بر پایه آن‌ها به ازدواج پایان داده می‌شود.

۳. طلاق اقتصادی، که به تقسیم ثروت و دارایی مربوط می‌شود.

۴. طلاق هماهنگی میان والدین، که مسائل نگهداری کودک و حق ملاقات را در بر می‌گیرد.

۵. طلاق اجتماعی، که به تغییرات در دوستی‌ها و سایر روابط اجتماعی مربوط می‌شود که فرد  
طلاق گرفته با آن‌ها سر و کار دارد.

۶. طلاق روانی، که از طریق آن فرد سرانجام باید، پیوندهای وابستگی عاطفی را قطع کند و با  
الزامات تنها زیستن رودررو شود (بوهانان، ۱۹۷۰، به نقل از گیدنز<sup>۳</sup>، ۱۳۸۶: ۴۴۲ - ۴۴۱).

بوهانان طلاق عاطفی را اولین مرحله در فرایند طلاق و بیان‌گر رابطه زناشویی رو به زوالی  
می‌داند که احساس بیگانگی جایگزین آن می‌شود (بوهانان، ۱۹۷۰، به نقل از اولسن<sup>۴</sup> و  
دفراین<sup>۵</sup>، ۲۰۰۶: ۴۴۹)، و زن و شوهر اگر چه ممکن است با هم بودن را مانند یک گروه  
اجتماعی ادامه دهند، اما جاذبه و اعتماد آن‌ها نسبت به یکدیگر از بین رفته است. طلاق  
عاطفی به عنوان انتخابی نفرت‌انگیز بین تسلیم و نفرت از خود، و تسلط و نفرت از خود تجربه  
می‌شود، که در آن هر یک از زن و شوهر، به دلیل احساس غمگینی و ناامیدی، دیگری را آزار

---

<sup>۱</sup> . Goode, William G.

<sup>۲</sup> . Bohannan, Paul

<sup>۳</sup> . Giddens, Anthony

<sup>۴</sup> . Olson, David H.

<sup>۵</sup> . Defrain, John

می‌دهد (بوهانان، ۱۹۷۰، به نقل از اسکانزونی<sup>۱</sup> و اسکانزونی<sup>۲</sup>، ۱۹۸۸: ۵۷۲). طلاق عاطفی متضمن فقدان اعتماد، احترام و محبت به یک‌دیگر است؛ همسران به جای حمایت از هم‌دیگر در جهت آزار و ناکامی و تنزل عزت نفس یک‌دیگر عمل می‌کنند، و هر یک به دنبال یافتن دلیلی برای اثبات عیب و کوتاهی و طرد دیگری هستند (بوهانان، ۱۹۷۰، به نقل از لاور<sup>۳</sup> و لاور<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷: ۳۵۱).

از طلاق عاطفی تحت عنوان طلاق پنهان نیز یاد شده است:

۱. طلاق آشکار، به طلاقی گفته می‌شود که همسران با مراجعه به دادگاه به طور رسمی از یک‌دیگر جدا شده و سند ازدواج خود را باطل کرده باشند.

۲. طلاق پنهان، طلاقی است که از هر نظر ویژگی‌های طلاق آشکار را دارد، ولی به دلیل وجود موانع فرهنگی، ارزشی، معنوی، موقعیتی و قانونی آشکار نمی‌شود؛ در واقع این طلاق‌ها بدون اینکه ازدواج باطل شود اتفاق می‌افتند، و همسران سال‌ها زیر یک سقف با حداقل ارتباط (حتی ارتباط کلامی) بهترین ایام عمر خود را سپری می‌کنند (بهراری و ستوده، ۱۳۸۶: ۸۳).

طلاق عاطفی، فاصله عاطفی مشخص و آشکار میان همسرانی است که هر دو ناپخته هستند، هر چند یکی از آن‌ها ممکن است این ناپختگی را تأیید کند و دیگری با ابراز اعمال مسئولانه مفرط، چنین چیزی را انکار نماید (گلدنبرگ<sup>۵</sup> و گلدنبرگ<sup>۶</sup>، ۱۳۸۷: ۴۱۶). اگر چه به نظر می‌رسد که ازدواج شکل و محتوایی از صمیمیت دارد، اما طلاق عاطفی ممکن است در رابطه‌ای به وجود آید که در آن تفاوت‌های آشکار کمی وجود دارد و همسران به راحتی در کنار

---

<sup>۱</sup> . Scanzoni, John

<sup>۲</sup> . Scanzoni, Letha Dawson

<sup>۳</sup> . Laur, Robert H.

<sup>۴</sup> . Laur, Jeanette C.

<sup>۵</sup> . Goldenberg, Irene

<sup>۶</sup> . Goldenberg, Herbert

هم زندگی می‌کنند، اما در احساسات شخصی یک‌دیگر شریک نیستند. از سوی دیگر، طلاق عاطفی، رابطه‌ای را توصیف می‌کند که در آن همسران در محیط‌های اجتماعی، خوب و صمیمی به نظر می‌رسند، ولی در خلوت قادر به تحمل یک‌دیگر نیستند (تبریزی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۱۱).

به گفته محمود دژکام، روانشناس، در طلاق عاطفی دو نفر به صورت فیزیکی از یک‌دیگر جدا نمی‌شوند، بلکه کنار هم زندگی می‌کنند اما عواطفشان یکسان و هماهنگ نیست. این اتفاق می‌تواند در آغاز یک طرفه باشد اما به مرور زمان دو طرف متوجه می‌شوند که جذابیت، کشش و عاطفه مثبتی که نسبت به هم داشته‌اند رنگ باخته است. به عبارتی حساسیت‌ها، کنجکاوی‌ها و نگرانی‌هایی که نسبت به یک‌دیگر نشان می‌دادند فروکش می‌کند و باعث ایجاد بی‌مهری و کرختی احساس می‌شود، این احساس به صورت شکایت از درک نشدن، بی‌توجهی، اشتغال زیاد، تک‌روی و بی‌توجهی به نیازها و خواسته‌های طرف مقابل ابراز می‌شود، که معمولاً بیشتر از جانب زنان صورت می‌گیرد، گاهی مردان نیز از انرژی و نشاط نداشتن همسر، بی‌علاقگی و بی‌دقتی در امور گله می‌کنند، مسائل استرس‌زا و اشتغال‌های فکری و فیزیکی و نبود آرامش در محیط زندگی و کار هر دو نفر نیز باعث تشدید این موضوع می‌شود. به گفته محمد اکبری، آسیب شناس اجتماعی، طلاق عاطفی که پدیده‌ای فراگیر است باعث می‌شود همسران پس از یک دوره طولانی دعوا و کشمکش، به مرحله دشمنی و تنفر و سپس به وضعیت بی‌تفاوتی برسند. در بی‌تفاوتی که آخرین مرحله روابط بین زن و مرد است، بود و نبود یکی فرقی برای دیگری ندارد و شاید تنها مسائل جنبی زندگی باعث ماندن در کنار هم می‌شود (سایت ایران سلامت «الف»<sup>۱</sup>).

---

۱.

<http://www.iransalamat.com/index.php?file=art&operation=show&id=۱۱۲۴۴&subsectionId=۱۴۵۳>

(تاریخ مراجعه محقق به سایت: ۱۳۸۸/۰۷/۲۴)



بنابراین در طلاق عاطفی، همسران فقط زیر یک سقف زندگی می‌کنند، در حالی که ارتباطات بین آن‌ها کاملاً قطع شده یا بدون میل و رضایت است (محمدی، ۱۳۸۳: ۱۱۱) و با توجه به آنچه بیان شد می‌توان فرایند ایجاد طلاق عاطفی را چنین در نظر گرفت:

در تعدادی از زندگی‌های مشترک، در ابتدا مشکلات به تدریج رخ نموده و بین زن و مرد فاصله به وجود می‌آورند؛ سپس این مشکلات، روز به روز، بیشتر و عمیق‌تر شده و به تبع آن فاصله زن و مرد افزایش می‌یابد؛ در پی آن مهارت و مدیریت کنترل زندگی و اختلافات ضعیف‌تر می‌شود؛ تا جایی که اختلافات به حدی می‌رسد که زن و مرد توان تحمل یک‌دیگر را نخواهند داشت و طلاق عاطفی به وجود می‌آید، در وضعیت طلاق عاطفی زن و شوهر سال‌ها در کنار یک‌دیگر زندگی می‌کنند، بدون این که کوچک‌ترین علاقه‌ای به یک‌دیگر داشته باشند؛ و در مواردی نیز طلاق عاطفی در نهایت به طلاق قانونی می‌انجامد (منادی، ۱۳۸۵: ۸۸).

به گفته علی گرانمایه، استاد دانشگاه، طلاق عاطفی به شکل‌های متفاوتی میان همسران به وجود می‌آید که دو نوع آن بیش‌تر مطرح است، در نوع اول که در جوامع اروپایی وجود دارد، زن و شوهر پس از مدتی به علت عدم درک فرهنگی و روحی از یک‌دیگر به طور جداگانه زندگی می‌کنند؛ در نوع دوم که بیش‌تر در ایران وجود دارد همسران بدون جدایی و دور بودن از یک‌دیگر با بی‌تفاوتی و عدم تبادل عاطفی، تنها برای نگهداری و تربیت فرزندان در کنار هم‌دیگر زندگی می‌کنند (سایت خبرگزاری قرآنی ایران<sup>۱</sup>). آسیب‌شناسان اجتماعی، چهار عامل عمده را علت اتفاق نیفتادن طلاق قانونی در این خانواده‌ها می‌دانند:

---

<sup>۱</sup> . [http://www.iqna.ir/lebanon/news\\_detail.php?ProdID=۸۶۴۴۵](http://www.iqna.ir/lebanon/news_detail.php?ProdID=۸۶۴۴۵)

۱. مذموم بودن طلاق در جوامع سنتی: وجود دیدگاهی که طلاق را امری مذموم و دور از اخلاق می‌پندارد، یکی از عوامل بسیار مهم در اتفاق نیفتادن طلاق قانونی در چنین خانواده‌هایی است.

۲. نیاز به حمایت اقتصادی و اجتماعی: زنان به خصوص نیاز بیشتری دارند که حامی و پشتیبان اقتصادی و اجتماعی داشته باشند و از آنجا که زن برخلاف مرد انتخاب شونده است، این ترس را دارد که مبدا پس از طلاق تنها بماند. خانواده او نیز بیشترین عوارض جدایی را متحمل می‌شود و زن بعد از طلاق در وضعیت دشواری قرار می‌گیرد، بنابراین بسیاری از زنان ترجیح می‌دهند به زندگی مشترک ادامه دهند.

۳. ترس از آسیب‌های اجتماعی: عده‌ای از زنان پس از جدایی از سوی جامعه و برخی افراد مورد بی‌حرمتی قرار می‌گیرند، از این رو زن برای ترس از روبه‌رو شدن با چنین حوادثی سعی می‌کند به زندگی ادامه دهد و جدا نشود.

۴. وجود فرزندان: در بسیاری از خانواده‌ها نیز از مهم‌ترین عوامل جدا نشدن همسران، وجود فرزندان است (سایت ایران سلامت «ب»<sup>۱</sup>).

کیفیت روابط درون خانواده، نقش بسزایی در شکل‌گیری نگرش‌ها و بازخوردهای اجتماعی، آمادگی و توسعه مهارت‌های اجتماعی اعضای خانواده دارد، و پایه و اساس روابط درون خانواده بر محور رابطه زن و شوهر استوار است (افروز، ۱۳۸۹: ۲). به گفته علی گرانمایه، در گذشته اگر چه زن و مرد بدون هیچ شناختی از یکدیگر و تنها به خاطر اعتقادات مشترک با یکدیگر ازدواج می‌کردند، اما به دلیل گسترده بودن خانواده‌ها، این نوع زندگی مانع از طلاق عاطفی آن‌ها می‌شد و زمانی هم که این مسئله اتفاق می‌افتاد به دلیل نوع روابط حاکم بر خانواده‌ها زن و

---

۱.

<http://www.iransalamat.com/index.php?file=art&operation=show&id=۱۱۲۴۷&subsectionId=۱۴۵۳>

(تاریخ مراجعه محقق به سایت: ۱۳۸۸/۰۷/۲۴)

مرد کم‌تر دچار آسیب می‌شدند؛ ولی امروزه به دلیل هسته‌ای بودن خانواده، با بروز طلاق عاطفی، زن و مرد اثرات مخرب شدیدی را از این رویداد خواهند دید (سایت خبرگزاری قرآنی ایران)؛ در چنین شرایطی میزان ناهنجاری‌های اجتماعی بین اعضای خانواده افزایش پیدا می‌کند و در مواردی باعث ایجاد ارتباط‌هایی خارج از چهارچوب خانواده برای پر کردن خلأ عاطفی موجود می‌شود (طباطبایی، هفته نامه آتیه<sup>۱</sup>).

بنابراین با در نظر گرفتن این مسئله که طلاق عاطفی نقش مهمی در به خطر انداختن سلامت خانواده و جامعه دارد و با توجه به اینکه تا کنون علی‌رغم توجه ویژه‌ای که به مسئله طلاق در جامعه شده است، طلاق عاطفی کم‌تر مورد بررسی دقیق قرار گرفته است، مسئله پژوهش حاضر بررسی مسئله طلاق عاطفی از دید زنان است.

### ۳-۱ پرسش‌های پژوهش

- چه عواملی منجر به ایجاد طلاق عاطفی می‌شود؟
- طلاق عاطفی چه ویژگی‌هایی دارد؟
- راهبردهای زنان در مواجهه با طلاق عاطفی چیست؟
- پیامدهای طلاق عاطفی چیست؟

### ۴-۱ ضرورت و اهمیت پژوهش

خانواده مهم‌ترین نهاد جامعه است که سلامت و استحکام آن بر کل جامعه اثر می‌گذارد و در مقابل وارد شدن هر آفت و زوالی به این نهاد و کارکردهای آن، می‌تواند به اخلاق در نظم و

---

<sup>۱</sup> .مطلب از سایت ایران سلامت نقل شده است. (تاریخ مراجعه محقق به سایت: ۱۳۸۸/۰۷/۲۴)

انسجام اجتماعی بیانجامد؛ بنابراین بررسی آسیب‌های خانواده از امور مهم و شایسته کنکاش می‌باشد.

یکی از آسیب‌هایی که بسیاری از خانواده‌ها با آن مواجه می‌شوند، طلاق عاطفی است. مطابق آمارها در تهران از هر چهار ازدواج یک ازدواج به طلاق ختم می‌شود، و کارشناسان معتقدند آمار طلاق عاطفی دو برابر طلاق رسمی است (صابری، سایت مردم سالاری<sup>۱</sup>). بنابراین مواجهه با میزان بالای طلاق عاطفی، نیاز به تحقیقات بیشتر در این زمینه را نشان می‌دهد؛ زیرا طلاق عاطفی نماد وجود مشکل در ارتباطی سالم و صحیح بین افراد است. این مشکل ارتباطی در سطح کوچک (خانواده) می‌تواند در بعد وسیع‌تر (جامعه) نیز شیوع و گسترش یابد و ارتباط انسانی را مختل نماید. وقتی بنیان نهاد خانواده دچار تزلزل شود، بنیان‌های اخلاقی و اجتماعی کل نظام اجتماعی متزلزل شده و جامعه به سوی مشکلات گوناگون سوق داده می‌شود؛ از این رو بررسی مسئله طلاق عاطفی از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار است.

## ۱-۵ اهداف پژوهش

- شناسایی عوامل ایجاد طلاق عاطفی
- شناسایی ویژگی‌های طلاق عاطفی
- شناسایی راهبردهای زنان در مواجهه با طلاق عاطفی
- شناسایی پیامدهای طلاق عاطفی

<sup>۱</sup>. <http://www.mardomsalari.com/Template1/News.aspx?NID=۷۵۰۳۴>

(تاریخ مراجعه محقق به سایت: ۱۳۸۹/۰۳/۱۱)